

## عوامل مرتبط با ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی در میان دانشجویان

محمدرضا فیروزی<sup>۱</sup>، شیرعلی خرامین<sup>۲</sup>

### مقدمه

زندگی دانشجویی بر حسب این که موقعیت تازه‌ای به حساب می‌آید (هم از لحاظ دوره رشد و هم از لحاظ محیط) می‌تواند زمینه ساز انواع استرس‌ها برای دانشجویان باشد و یا حالات هیجانی آن‌ها را تغییر دهد. این تغییرات هیجانی که تحت تاثیر الزامات عوامل محیطی و زندگی تحصیلی قرار می‌گیرد گاه بسیار مطلوب و حتی با توجه به موقعیت دانشجویی برای آن‌ها مفید و ضروری است.

یکی از این حالات هیجانی ترس است که می‌تواند دانشجو را از بسیاری خطرات مانند عوامل مرگ و خطر (ایزد، مصرف داروهای خطرناک و...) و شکست و انتقاد (مانند مشروط شدن، شکست تحصیلی، ازدواج ناموفق و...) حفظ نماید و نیز همچون یک منبع انگیزشی قوی عمل کند. ترس واکنش طبیعی به تهدیدهای خیالی یا واقعی تعریف می‌شود و همانند اضطراب، مقدار معینی از آن در انسان نه تنها برای وی مفید بلکه برای زنده ماندن او بسیار ضروری است از این رو از منابع بسیار مهم انگیزش آدمی به حساب می‌آیند. اما با این حال اگر از شدت و قوت زیادی برخوردار باشند در عملکرد انسان اختلال بوجود می‌آورند و حتی باعث می‌گردند تا یادآوری مطالب یاد گرفته شده به آسانی صورت نگیرد.

آنچه که در این مطالعه مد نظر است بررسی ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی است که همانند یک منبع انگیزشی عمل می‌کند و علاوه بر عوامل زیستی، تحت تاثیر عوامل مختلف مانند محیطی و یادگیری دستخوش تغییر می‌شوند. از این رو، دانشجویان به‌ویژه آن‌هایی که در دوره نوجوانی و اوایل دوره جوانی هستند و تازه وارد دانشگاه شده اند احتمال می‌رود به خاطر ماهیت انتقالی زندگی، مخصوصا محیط دانشگاه و عوامل دیگری مانند خوابگاهی و غیرخوابگاهی، بومی و غیربومی و جنسیت، از لحاظ ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی متفاوت باشند.

تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که دانشجویان خوابگاهی و غیربومی عملکرد تحصیلی پایین‌تری دارند. برای مثال ده بزرگی و همکاران (۱۳۸۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دانشجویان دارای منازل شخصی عملکرد تحصیلی بهتری دارند. در تحقیقات تمنایی‌فر و همکاران (۱۳۸۵) نشان داده شد که اکثر دانشجویان مشروطی پسر و عمده دانشجویان ممتاز دختر بودند. همچنین مشخص شد که اکثر دانشجویان ممتاز (۵۳/۸ درصد) بومی و اکثر دانشجویان مشروطی (۸۱/۸ درصد) غیربومی بودند. بخشی پور رودسری و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان بومی از حمایت اجتماعی بالاتری نسبت به دانشجویان غیربومی برخوردارند و دانشجویان دختر از حمایت اجتماعی بالاتری نسبت به دانشجویان پسر بهره‌مندند.

به هر حال چنین به نظر می‌رسد دانشجویانی که سطح بالاتری از حمایت اجتماعی را دریافت کنند از سازگاری بیشتری برخوردارند و عملکرد تحصیلی بهتری دارند. لذا سؤال اصلی این است؛ آیا دانشجویان دانشگاه با توجه به متغیرهایی مثل جنسیت، بومی و غیر بومی، خوابگاهی و غیرخوابگاهی، و ترس از مشروط شدن یا شکست تحصیلی با یکدیگر تفاوت دارند؟ به عبارت دیگر سؤالاتی که پژوهش حاضر برای یافتن پاسخی به آن‌ها انجام شده است به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- آیا میان دانشجویان دختر و پسر از لحاظ ترس از مشروط شدن تفاوت معنی داری وجود دارد؟
- ۲- آیا میان دانشجویان بومی و غیربومی از لحاظ ترس از مشروط شدن یا شکست تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد؟
- ۳- آیا میان دانشجویان خوابگاهی و غیرخوابگاهی از لحاظ ترس از مشروط شدن یا شکست تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

### روش

نظر به این که هدف پژوهش بررسی ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی با توجه به متغیرهایی مانند؛ جنسیت، بومی و غیر بومی و خوابگاهی و غیرخوابگاهی بود لذا طرح تحقیق از نوع توصیفی و از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها، زمینه‌یابی یا پیمایشی است. جامعه مورد نظر در این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه یاسوج بودند که در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ در چهار دانشکده علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی و ادبیات و علوم انسانی مشغول تحصیل بودند.

شرکت‌کنندگان: ۴۳۰ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه یاسوج بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه FSSC-II استفاده گردید. پرسشنامه مذکور از لحاظ ساختاری حاوی ۷۵ ماده بوده که در پنج بخش شامل؛ ترس از مرگ و خطر، عوامل ناشناخته، شکست و انتقاد، حیوانات، ترس‌های پزشکی و استرس‌های روانی تنظیم گردیده است. پاسخ گرها میزان ترس‌شان را در هر کدام از ماده‌ها براساس یک مقیاس سه درجه‌ای (۱- نمی‌ترسم ۲- کمی می‌ترسم ۳- خیلی می‌ترسم) درجه‌بندی می‌کنند (رتال و دی تیکر، ۱۹۷۲). فرم اول پرسشنامه به وسیله شیر و ناکامورا (۱۹۶۸) تهیه شد. اولندیک (۱۹۸۳) پرسشنامه را تجدید نظر کرد و مجددا پرسشنامه توسط کینگ و گالون (۱۹۹۳) مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در این بررسی اعتبار آزمون با استفاده از روش تنصیف با تصحیح اسپیرمن برابر با ۰/۹۶ و ضریب اعتبار حاصل از روش بازآزمایی برابر با ۰/۹۰ گزارش شده است.

کینگ و گالون (۱۹۹۲) برای تعیین روایی نیز همبستگی FSSC-II را با فرم تجدیدنظر شده مقیاس اضطراب آشکار برای کودکان (ارنیولس و ریچماند، ۱۹۸۵) و مقیاس صفت از پرسشنامه اضطراب حالت-صفت برای کودکان (اسپیل و برجر، ۱۹۷۰) مورد بررسی قرار دادند و ضرایب حاصل را به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۳۹ گزارش کردند.

به منظور اجرای پرسشنامه بر روی گروه نمونه در ایران شکل اولیه پرسشنامه پس از ترجمه و ویرایش در اختیار چند نفر از اساتید روان‌شناسی و تعلیم و تربیت قرار داده شد تا ماده‌هایی که با فرهنگ ما همخوانی ندارند حذف کرده و در صورت امکان ماده‌هایی را منطبق و جایگزین نمایند. در مجموعه پنج ماده حذف و دوازده ماده جدید مانند؛ ترس از مشروط شدن، شکست تحصیلی و... اضافه گردید. در این تحقیق ضریب اعتبار حاصل از روش بازآزمایی آزمون بر روی ۵۰ آزمودنی از افراد نمونه که به فاصله سه هفته پس از اجرای اول مورد آزمون قرار گرفتند برابر با ۰/۹۳ بود (P < ۰/۰۰۱). به علاوه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ حاصل گردید. در هر ماده، میزان ترس آزمودنی با استفاده از یک مقیاس سه درجه‌ای درجه‌بندی می‌شود (۱- نمی‌ترسم ۲- کمی می‌ترسم ۳- خیلی می‌ترسم). نمرات شیوع ترس با جمع کل تعداد ماده‌هایی که به وسیله آزمودنی به عنوان خیلی می‌ترسم (درجه‌بندی ۳) مشخص می‌شود، بدست آمد. برای تعیین ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی، فراوانی آزمودنی‌هایی که در این ماده‌ها گزینه ۳ (خیلی می‌ترسم) را انتخاب نموده بودند محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد، برای تعیین معنی‌دار بودن تفاوت‌ها از روش‌های آمار استنباطی نظیر جدول توافق (کای اسکور) استفاده شد.

### یافته‌ها

نتایج مربوط به هر کدام از سؤالات تحقیق به صورت مجزا در جداول ۱ الی ۵ نشان داده شده است.

جدول ۱  
فراوانی ترس از مشروط شدن با توجه به جنسیت

مقیاس	مرد		زن		کل
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	
نمی‌ترسم	۵۶	۳۳/۵	۳۸	۱۰/۷	۱۹/۵
کمی می‌ترسم	۲۵	۱۵	۳۹	۱۴/۸	۱۴/۹
خیلی می‌ترسم	۸۶	۵۱/۵	۱۹۶	۲۴/۵	۶۵/۶
کل	۱۶۷	۱۰۰	۲۶۳	۱۰۰	۴۳۰

$$P < ۰/۰۰۱ \quad df=۲ \quad \chi^2=۱۷/۴$$

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد ترس از مشروط شدن در دانشجویان دختر (۷۵/۴ درصد) به طور معناداری شایع‌تر از دانشجویان پسر (۵۱/۵) بود (P < ۰/۰۰۱، df = ۲،  $\chi^2 = ۱۷/۴$ ).

جدول ۲  
فراوانی ترس از مشروط شدن در دانشجویان خوابگاهی و غیرخوابگاهی

مقیاس	خوابگاهی		غیرخوابگاهی		کل
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	
نمی‌ترسم	۳۸	۱۵/۶	۱۴	۷/۵	۵۲
کمی می‌ترسم	۶۵	۲۶/۶	۴۲	۲۳/۱	۱۰۸
خیلی می‌ترسم	۱۴۱	۵۷/۸	۱۲۹	۶۹/۴	۲۷۰
کل	۲۴۴	۱۰۰	۱۸۶	۱۰۰	۴۳۰

$$P < ۰/۰۲ \quad df=۲ \quad \chi^2=۸/۴۲$$

چنانکه جدول بالا نشان می‌دهد فراوانی ترس از مشروط شدن در دانشجویان غیرخوابگاهی (۶۹/۴) به طور معناداری شایع‌تر از دانشجویان خوابگاهی (۵۷/۸) بود (P < ۰/۰۲، df = ۲،  $\chi^2 = ۸/۴۲$ ).

جدول ۳  
فراوانی ترس از شکست تحصیلی در دانشجویان خوابگاهی و غیرخوابگاهی

مقیاس	خوابگاهی		غیرخوابگاهی		کل
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	
نمی‌ترسم	۳۲	۱۳/۱	۲۲	۱۱/۹	۵۵
کمی می‌ترسم	۷۶	۳۱	۳۷	۲۰	۱۱۳
خیلی می‌ترسم	۱۲۷	۵۵/۹	۱۲۶	۶۸/۱	۲۵۳
کل	۲۳۵	۱۰۰	۱۸۵	۱۰۰	۴۲۰

$$P < ۰/۰۱ \quad df=۲ \quad \chi^2=۹/۱۱$$

چنانکه جدول ۳ نشان می‌دهد فراوانی ترس از شکست تحصیلی در دانشجویان غیرخوابگاهی (۶۹/۴) به طور معناداری شایع‌تر از دانشجویان خوابگاهی (۵۷/۸) بود (P < ۰/۰۱، df = ۲،  $\chi^2 = ۹/۱۱$ ).

جدول ۴  
فراوانی ترس از مشروط شدن در دانشجویان بومی و غیربومی

مقیاس	بومی		غیربومی		کل
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	
نمی‌ترسم	۲۱	۸/۹	۳۱	۱۶/۱	۵۲
کمی می‌ترسم	۵۷	۲۴/۱	۵۱	۲۶/۶	۱۰۸

۱- استادیار دانشگاه یاسوج

۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

خیلی می ترسم	۱۵۹	۶۷/۱	۱۱۰	۵۷/۳	۲۶۹	۶۲/۷
کل	۲۳۷	۱۰۰	۱۹۲	۱۰۰	۴۲۹	۱۰۰
	p < ۰/۰۵		df=۲		$\chi^2=۶/۵۳$	

همان طور که جدول ۴ نشان می دهد ترس از مشروط شدن در دانشجویان بومی (۶۷/۱) به طور معناداری شایع تر از دانشجویان غیربومی (۵۷/۳) بود ( $P < ۰/۰۵$ ,  $\chi^2 = ۶/۵۳$ ,  $df = ۲$ ).

جدول ۵

مقیاس	فراوانی ترس از شکست تحصیلی در دانشجویان بومی و غیربومی		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
نمی ترسم	۱۷	۷/۱	۲۹	۱۵/۱
کمی می ترسم	۶۳	۲۶/۵	۵۶	۲۹/۲
خیلی می ترسم	۱۵۸	۶۶/۴	۱۰۷	۵۵/۷
کل	۲۳۸	۱۰۰	۱۹۲	۱۰۰
	p < ۰/۰۵		$\chi^2=۶/۵۸$ , $df=۲$	

چنانچه جدول ۵ نشان می دهد فراوانی ترس از شکست تحصیلی در دانشجویان بومی (۶۶/۴) به طور معناداری شایع تر از دانشجویان غیربومی (۵۵/۷) بود ( $P < ۰/۰۵$ ,  $\chi^2 = ۶/۵۸$ ,  $df = ۲$ ).

### بحث و نتیجه گیری

در صورتی که همانند اضطراب که تا حد معینی از آن بعد انگیزشی دارد و موجب موفقیت تحصیلی می گردد، شیوع بالای ترس از مشروط شدن و یا شکست تحصیلی را مدنظر قرار دهیم (همبستگی نسبتاً بالای مقیاس اضطراب و پرسشنامه FSSC-II که در بخش ابزار تحقیق توضیح داده شده موید موضوع است) می توان این چنین نتیجه گرفت که هر چه ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی در میان دانشجویان شایع تر باشد انگیزه تحصیلی و مطالعه در آن ها بیشتر خواهد بود. بنابراین چنان که یافته ها نشان داد ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی در میان دانشجویان دختر، بومی و غیرخوابگاهی به طور معنی داری بیشتر از دانشجویان پسر، غیربومی و خوابگاهی بود. نتیجه بدست آمده با تحقیقات انجام شده بوسیله تمنایی فر و همکاران (۱۳۸۵) و دفتر مرکزی مشاوره (۱۳۸۵، ۱۳۸۶) هماهنگ و همسو است. متغیرهای متعددی می توانند وضعیت تحصیلی و سلامت روانی دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهند و باعث نگرانی ها و مشکلات تحصیلی و روانی خاصی شوند. تحقیقات تمنایی و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که انگیزه تحصیلی در میان دانشجویان بومی و دختر بیشتر از دانشجویان غیربومی و پسر است به نحوی که اکثر دانشجویان مشروط، غیربومی و پسر و اکثر دانشجویان ممتاز، بومی و دختر بودند. شاید بتوان این دو مطالعه را از این لحاظ به یکدیگر ربط داد. به عبارت دیگر از آن جاکه دانشجویان غیربومی و پسر ترس کمتری در مورد مشروط شدن و شکست تحصیلی دارند لذا انگیزه تحصیلی در آن ها پایین تر از دانشجویان بومی و دختر است. دانشجویان بومی با توجه به نظارت و درگیری بیشتر والدین، و مسائل و مشکلات کمتر، انگیزه بیشتری برای تحصیل دارند از این لحاظ ترس از مشروط شدن و شکست تحصیلی که بعد انگیزشی دارند در آن ها مشهودتر و بیشتر است. تحقیقات زیادی نشان داد هاند که درگیری فعال والدین یا نظارت مستقیم آن ها موجب پیشرفت تحصیلی دانشجویان می گردد (دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم ۱۳۸۵، تمنایی فر و همکاران، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر، زندگی خوابگاهی تجربه ای پیچیده با کارکردهای خاص خود است که علی رغم خلوت و سکوتی که از نام آن برداشت می شود سرشار از تنوع، هیجان و جنبه های مختلف زندگی است. ورود به زندگی خوابگاهی دانشجویان را با چالش های مثبت و منفی مختلفی مواجه می سازد. برخی از این چالش ها و استرس ها عبارتند از: جدانشدن از خانواده و زندگی دور از آن ها، اجبار برای زندگی در یک محیط پر ازدحام، فشار محدودیت های محیطی، لزوم ارتباط و انطباق با افرادی با شخصیت ها و زمینه های قومی، دینی، خانوادگی، و فرهنگی، تغییرات رفتاری انطباقی در زمینه های مختلف، تعدیه نامناسب، به هم ریختگی خواب و خوراک، سرو صدا و غیره (دفتر مرکزی مشاوره، ۱۳۸۵). مواجه شدن با موارد فوق ضمن تأثیرات مثبتی که می تواند داشته باشد ممکن است موجب بروز مشکلات روانی یا تحصیلی برای دانشجویان خوابگاهی گردد. به طور کلی پژوهش ها حاکی از آن است که شرایط خوابگاه و زندگی دانشجویی در چنین محیطی دانشجویان را با مسائل و مشکلاتی نظیر دوری از خانواده و ضعف سیستم حمایتی و... درگیر می کند به نحوی که ممکن است انگیزه تحصیلی در دانشجویان کاهش یابد و موجب افت تحصیلی در دانشجو گردد (همان). سازگاری با دانشگاه و چگونگی یادگیری زندگی دانشجویی مثل سازگار شدن با زندگی در یک محیط جدید و یا فرهنگ جدید با چالش هایی همراه است (اوموتسو، ۲۰۰۶). دوری از خانواده و ورود به فضایی که در بسیاری جهات برای دانشجویان ناآشنا می باشد به خودی خود به مثابه یک کانون استرس عمل می کند. امری که فضای زندگی دانشگاهی را فشارزاتر و آن را از مسیر محیط های معمولی زندگی متمایز می سازد (بخشی پور، ۱۳۸۷). به علاوه، خانواده به عنوان مهمترین منبع عمده حمایت اجتماعی محسوب می شود چنان که تحقیقات انجام شده نشان می دهند که حمایت اجتماعی خانواده، سلامت روانی افراد را پیش بینی می کند و اثرات مستقیمی بر میزان افسردگی، اضطراب، روابط اجتماعی و عملکرد تحصیلی و... دارد (کیل پاتریک، ۲۰۰۵). به نقل از سهرابی و همکاران، (۱۳۸۷). پژوهش های انجام گرفته بر روی دانشجویان ایرانی حاکی از آن است که دانشجویانی که از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند دارای سلامت عمومی بیشتری بوده اند. هم چنین مشخص شده است که دانشجویان بومی (غیر خوابگاهی) از حمایت اجتماعی بالاتری نسبت به

دانشجویان غیر بومی (خوابگاهی) برخوردارند (بخشی پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴). در پژوهش سهرابی و همکاران (۱۳۸۷) مشخص شد که دانشجویان غیر خوابگاهی (بومی) در مقایسه با دانشجویان خوابگاهی (غیر بومی) از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند و عملکرد تحصیلی بهتری دارند. به هر حال به نظر می رسد که دوری از خانواده، در دانشجویان غیر بومی (خوابگاهی) حمایت اجتماعی آن ها را کاهش داده و ممکن است موجب کاهش سلامت روانی و تحصیلی در آن ها گردد. خلاصه می توان گفت که از یک طرف تنهایی و دوری از خانواده و نیز اضطراب جدایی و مواردی از این قبیل، ممکن است که زمینه افسردگی و افت تحصیلی و... را در دانشجویان خوابگاهی (غیربومی) فراهم سازد. دانشجویان خوابگاهی (غیربومی) به دلیل شرایط خاص و وضعیت ویژه ای که دارند استرس های خاصی را تجربه می کنند. در این میان دانشجویان غیربومی و خوابگاهی به دلیل جدایی از خانواده و دوستان و نیز عدم نظارت مستقیم خانواده با استرس های خاصی متفاوت از دانشجویان بومی (غیر خوابگاهی) روبرو می شوند که ممکن است موجب کاهش انگیزه تحصیلی در آن ها گردد و در نتیجه، روند عملکرد و کارایی این قشر را از لحاظ پیشرفت تحصیلی، سلامت روانی و سازگاری اجتماعی تحت الشعاع قرار دهد. چنان که پژوهش های والی یوسفی و مصباح (۱۳۸۷) نشان می دهند که سلامت روان دانشجویان خوابگاهی (غیر بومی) در سطح پایین تری از دانشجویان غیر خوابگاهی قرار دارد.

به طور کلی می توان گفت که یافته های پژوهشی حاضر نیز تا اندازه زیادی یافته های پژوهشی قبلی مانند: تمنایی فر و همکاران (۱۳۸۵)، بخشی پور رودسری و همکاران (۱۳۸۴)، چنگ و همکاران (۲۰۰۰)، کاهن و همکاران (۲۰۰۳)، پیترو و همکاران (۲۰۰۲)، و مارس پیلسوک و همکاران (۲۰۰۴) را مورد حمایت قرار می دهد. این پژوهشگران بین حمایت اجتماعی و سلامت روان رابطه معناداری یافتند. بنابراین، احتمالاً دوری از خانواده از یک طرف، حمایت اجتماعی دانشجویان خوابگاهی و غیربومی را کاهش داده و از سوی دیگر موجب عدم نظارت مستقیم خانواده آن ها می شود که این خود باعث کاهش سلامت روانی، کاهش انگیزه تحصیلی و در نتیجه افت تحصیلی در این گروه از دانشجویان می گردد.

### منابع

بخشی پور رودسری، عباس؛ پیروی، حمید؛ عابدیان، احمد (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی، حمایت اجتماعی با سلامت روان دانشجویان. فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هفتم، شماره ۲۷.

تمنایی فر، محمدرضا؛ نیازی، محسن؛ امینی، محمد (۱۳۸۵). بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانشجویان با مقایسه دانشجویان مشروط و ممتاز. مجموعه مقالات سومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

سهرابی، فرامرز؛ نجفی، محمود (۱۳۸۷). بررسی رابطه میزان برخورداری از حمایت اجتماعی و سلامت روانی در دانشجویان. مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

King, N.J., Gullone, E. (۱۹۹۳). The fear of youth in the ۱۹۹۰'s: contemporary normative Data. *The Journal of Genetic Psychology*, ۱۴۵(۲) ۱۳۷-۱۵۳.

Schere, M.W. and nakamura, C.Y. (۱۹۶۸) A fear survey schedule for children (fss-fc): A factor analytic comparison with manifest anxiety. *Behavioral Research Therapy*, ۶: ۱۷۳-۱۸۲.



مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان  
فصلنامه اصول بهداشت روانی  
http://seminar5@ira.com  
seminar5@ira.com